

# پرافتخار باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر

# نامه مردم مركزی حزب توده ایران

## دو قضاوت

نکار مطلق از سویی و توجیه مطلق همه چیز از سویی دیگر... تاریخ گذشته حزب توده ایران در گرفته است. صرفنظر از تفاوت‌هایی که در برخورد و برداشت و نحوه استدلال بین گروه‌های مختلف دیده میشود، بطور عمده دو نوع قضاوت در این بحث حاکم است:

## تاریخ گذشته حزب توده ایران

در قضاوت نوع اول مجموعه فعالیت حزب ما در گذشته منفی ارزیابی میشود. حاصل عمده این قضاوت «ایران آزاد» و هواداران آنست. در قضاوت نوع دوم مجموعه فعالیت حزب توده ایران تا اثنی عشر آخر مثبت دنیاله در صفحه ۲

## مبارزه در راه دمکراسی

## مهمترین شعار مبرم حزب ماست

جهت رژیم است و مردم ایران بوزم نیروها و سازمانهای مترقی آنرا دائماً و بشکل درزنا کی احساس میکنند. در دوران کنونی که امپریالیسم هجوم مستقیم و دورانی خود را بر مواضع سوسیالیسم و جنبش انقلابی تشدید کرده است و سیاست داخلی و خارجی رژیم نیز، بخاطر حفظ همبستگی با امپریالیسم، جنبه ارتجاعی تری بخود میگیرد، مبارزه در راه حقوق و آزادی های دمکراتیک، در کنار مبارزه با تحریکات امپریالیستی اهمیت و مبرمیت باز هم بیشتری کسب میکند.

مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد ملیت کنونی ایران در دو جهت اساسی میگردد: در جهت نیل به استقلال یعنی ایران از نفوذ استقلال شکنانه آشکار امپریالیسم و در جهت نیل به دموکراسی مائستی ایران از تسلط رژیم ارتجاعی و ملیت‌نارستانی و تحقق آزادیها و دموکراتیک مردم. حزب ما در تظلم و زد باین نتیجه رسیده است که بوزم در راه دموکراسی مهمترین و مبرمترین شعار ماست و میتواند محور تجمع حدا نیروها در داخل و خارج از کشور ببرد و زمینه مبارزات مردم ایران را مادی نیل به هدف عمده این دوران یعنی ایجاد ائتلاف ملی و دموکراتیک را مبرمتر کند. ضد دمکراتیک رژیم که هر روز مانع باشکال مختلف مانند سرکوب آزادیها، شکنجه ها و اعتدالها، و طرد تشدید نظارت پلیسی، نفی نه بوزسیون، تقویت نظام استبدادی بوزم میکند، گریه ترین و زنده ترین

حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره خود تا تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی مخالف رژیم صرفنظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده است. ما در جریان داد رسی بقائی، ملکی، گروه مهندس بازرگان، گروه نیکخواه، گروه بیرجندی، در جریان اعدام اخیر افسران و عده ای از دنیاله در صفحه ۲

## پاینده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر!

سال ۱۳۲۴ در اوج جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران، مردم آذربایجان و کردستان بیا خاصه شمال سمکر را از آفت دو منطقه راندند و زمام امور خویش را برآسا بدست گرفتند. سالها بود که آذربایجان و کردستان در زندان استبداد حقوق ملی دمکراتیک خود بودند. ظلم مالکیت ستم و اندام، فشار، مأموران، محفل دولت، مردم را به خیال آورده بود. آذربایجان و کردستان خواستار قطع تعدی و اداره امور خود از طریق انجمنهای ابائی و ولایتی، برخواستار آزادی و فرهنگ ملی خود بودند. اما این مطالبات قانونی پیوسته با بی اعتنائی مقامات دولتی مواجه شده بود. هفت چاکمه خود بر حقوق مشروع مردم را عودانه لگد مال میکرد. قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ که با شرکت اقشار و طبقات مختلف مردم آذربایجان انجام شد، قدرت حاکمه را بدست مردم ستم‌خواران مردم آذربایجان ترا آذر زمینه شرکت در اداره امور خود، تحقق بخشید. برای نخستین بار در یکی از مهمترین استباهای ایران اصلاحات ارضی حمله عمل پوشید و زمین میان دهقانان تقسیم گردید. بزمه‌های اجتماعی و بسیاری دیگر از خواسته‌های مشروع کارگران و زحمتکشانی عملی شد. آموزش عمومی مجانی، بزرگسالی مادری تأمین گردید، دانشگاه تریز گشایش یافت و سایر مطالبات دمکراتیک مردم خلق آذربایجان تحقق پذیرفت.

بموازات اقدامات دمکراتیک حکومت آذربایجان در کردستان نیز یک سلسله اصلاحات ترقیخواهانه بوقوع پیوست و برای نخستین بار کودکان کرد با امکان یافتند بزبان مادری خود بیاموزند. بار سنگین ستم و اندام و مأمورین فاسق از دوش دهقانان کرد بر دوشان شد. «حق» دمکراتیک مردم کردستان تأمین گردید. حکومت «دموکراتیک» آذربایجان و کردستان خواستار تأمین همین حقوق برای سایر خلق های ایران بودند و جنبش خود را بزمزه زمینه‌های برای بسط نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیک در سراسر ایران تلقی میکنند. تصریح این نکته بوزم در مراسم «فرقه» دمکراتیک آذربایجان جنبه برای اینکه تحولات انقلابی در کردستان، تعلیمات ارضی ایران انجام میگردد و اظهارات مکرر رهبران هر دو جنبش مؤید این واقعیت است. همین تحولات مبین پرستنده و جنبه های ضد امپریالیستی و ضد فئودالی نهضت آذربایجان و کردستان موجب شد که تمام سازمانها و کمیته‌های ترقی کشور و در پیشا پیش کمیته ترقیخواهان ایران، حزب توده ایران از آن پشتیبانی نمایند. اما شاه و امپریالیسم که حکومت مردم را در آذربایجان و کردستان بافروخته با اقداماتی که در جهت تأمین حقوق مردم انجام شده بود، خطری برای سلطه شوم خود میدیدند مجبانه تشنه دنیاله در صفحه ۲

## کمونیسم ضد شوروی ممکن نیست

باشد. واقعاً اترانسوئالیست باشد و غرض و مرض در کارش نباشد، با او میتوان در باره این دو تئوری بحث کرد یعنی میتوان برای وی ثابت کرد که: کمونیسم ضد شوروی ممکن نیست. سوسیالیسم هسته مرکزی اترانسوئالیسم پرولتری است. با چنین کسی، میتوان از طریق استقلال به نتیجه مشترک رسید. خطاب ما نیز در این مقاله چنین کسانی هستند و الا ما ایدها! دچار این سادگی نیستیم که تصور کنیم افراد آنتی کمونیست و اترانسوئالیست، یا افرادی که از آنتی سوسیالیسم خود، علیرغم تکرار عبارات مارکسیستی، غرض معینی را دنبال میکنند، در مقابل استدلالات ما قانع گردند. آنها برای جدال آماده اند و ولی برای بحث آماده نیستند. آنها برای رد کردن همه چیز و حتی مطالب صحیح آماده اند. برای قبول کردن آن مطالب آماده نیستند، آنها برای انکار آماده اند. برای تصدیق آماده نیستند. ما هم با آنها حرفی نداریم بزمزه دنیاله در صفحه ۲

وقتی ما میگوئیم «کمونیسم ضد شوروی وجود ندارد» کسانی بخشم میایند. وقتی میگوئیم «سوسیالیسم یعنی دوستی با شوروی و پشتیبانی از او هسته مرکزی اترانسوئالیسم پرولتری است» کسانی اعتراض میکنند و میگویند اترانسوئالیسم را نمیتوان در دوستی نسبت بیک کشور سوسیالیستی تلخیص کرد. بنظر آنها این شعارها در حکم قول «همونیسم» در حکم تبعیت از یک کشور خارجی است. اگر این مطالب را مدافعان سرمایه داری بگویند، سخن آنها مبهم است. اگر این مطالب را عناصر اترانسوئالیست که منافع ملت خویش را مافوق منافع همه ملل میدانند و آنرا بر مصالح سراسر جهان مقدم بشمرند بگویند، سخن آنها نیز مبهم است ولی شگفت است که این مطالب را حتی کسانی میگویند که معنی هستند مارکسیسم - لنینسم را بعنوان تئوری انقلابی قبول دارند. معنی هستند که اترانسوئالیست هستند. اگر کسی واقفاً مارکسیست - لنینست

## مراسم صدمین سالگرد

## تولد ستار خان سردار ملی

بمناسبت صدمین سال تولد ستار خان سردار ملی قهرمان انقلاب مشروطه ایران مراسم باشکوهی در ۲۵ ماه اکتبر در باکو برگزار شد. در جلسه ای که بدین مناسبت با حضور چند تن از رهبران حزب توده ایران و نمایندگان احزاب برادر، دانشمندان ایران شناس و عده کثیری از پناهندگان سیاسی ایرانی تشکیل یافت مسئول شبه تلفات سازمان حزب توده ایران در آذربایجان (فرقه دمکرات آذربایجان) در باره زندگی و فعالیت ستار خان، هدفهای انقلاب مشروطه ایران و مراحل مختلف آن و کمپانی که از طرف حزب کارگر سوسیالیست دمکرات روسیه مشروطه خواهان ایران بعمل آمده است صحبت نمود و خاطر نشان کرد که در آلمان لنین دنیاله در صفحه ۶

## را هم عقب نشینی دولت

## در برابر مالکان

مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی به اجرای مرحله دوم مالکان را آزاد ساخت تا بر حسب تمایل خود یکی از اجاره، فروش و یا تقسیم ملک بر حسب مالکانه را برگزینند. در این مرحله رای قانون، شق اجاره از آن جهت که امکان میداد هم زمینهای بهائوز همچنان در ملکیت داشته باشند و هم ببق دریافت مال الاجاره های سنگین فشار دهقانان ادامه دهند، مورد استقبال قرار گرفت. و در نتیجه بموجب آن آمار رسمی تعداد ۱۰۳۲۶۰۶ خانوار دهقان متأسفانه متأسفانه شناخته شده اند علاوه بر تعداد ۲۸۹۵۳ خانوار دهقان دنیاله در صفحه ۵

# کمونیزم ضد شوروی ممکن نیست

چنین بحثی عبث است و بکار عبث نباید پرداخت. اما با کسانی که صادقانه به مارکسیسم-لنینیسم، به انقلاب باور دارند ولی گاه معنای تزیهای دو گانه فوق را درست و به شکل دیگری آن تفسیر کنند و در عین حال برای بحث بیقرضانه نیز آماده اند، چنانکه گفتیم، میتوانیم وارد بحث شویم. شاید یک بحث آنها را قانع نکند ولی بهر جهت بحث مفید است و باید بحث با چنین افرادی انجام گیرد. این کار مفیدی است و بکار مفید باید دست زد.

در دوران ما که نبرد طبقاتی عظیمی در مقیاس تاریخ، در مقیاس سراسر بشریت بین سوسیالیسم و سرمایه داری میگردد، خواه اتحاد شوروی و خواه ایالات متحده امریکا، اولی بسود سوسیالیسم، دومی بسود سرمایه داری و امپریالیسم، عنده ترین نقش را ایفا میکنند. زیرا قوی ترین نیروهای دو سمت متناقض و متقابل هستند.

بنابراین یک لحظه این بلبه عظیم را مقروض دارید و در فکر خود اتحاد شوروی را بعنوان عامل اساسی و مقتدر در مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه داری حذف کنید، آنگاه خواهید دید که جبهه جهانی سرمایه قادر خواهد بود ضربات سنگین بر انقلاب جهانی وارد سازد و وضع خویش را فوق العاده تحکیم بخشد. اگر قدرت نظامی و قدرت علمی و نیروی عظیم اقتصادی و سیاست درست جهانی اتحاد شوروی در راه دفاع از سوسیالیسم در مقابل امریکا، آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای سرمایه داری که شائق امحاء کمونیسم در جهان هستند، نباشد آنگاه چه نیروی واقعی (و نه پنداری) میتواند در مقابل آنها بایستد؟ آری نیروی خلقها عظیم ایست ولی نه برادریست. به

نیروی مادی تنها بانیروی مادی میتوان پاسخ داد. در این عصر انقلاب علمی و فنی با قدرت نظامی و اقتصادی مجهز دشمن باید با قدرت نظامی و اقتصادی بر توان مقابله کرد و تنها با هیجان و شور و شوق و فداکاری ممکن نیست ضربات موشکها و بمب های هیبرزنی و اشعه لآزر و جنگ میکروبی و شیمیایی را عقیم گذاشت. چنانکه در موقع خود فیدل کاسترو تصریح کرد اگر اتحاد شوروی تمام هستی و موجودیت خویش را بخاطر دفاع از کوبای سوسیالیستی در کفه تاریخ نینگذاشت، آیا ایالات متحده امریکا این جزیره آزاد را در زیر گوش خود تحویل میکرد؟ اگر وجود اتحاد شوروی و غلبه او بر فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن نبود، آیا حتی ارتش خلقی چین با همه تجربه فرماندهی، خود قادر بود بدون نیم از مداخله امپریالیستی پیش رود و بدون تحمل رنجهای این مداخله بکار ساختن سوسیالیسم دست زند؟

ولی مسئله فقط در قدرت درجه اول اقتصادی و نظامی و علمی و سیاسی اتحاد شوروی نیست بلکه اتحاد شوروی از یک سلسله جهات دیگر که هر یک در محل خود

بسیار مهم است، در نظر کمونیستهای جهان دارای احترام انکار ناپذیر است.

۱ - اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی است و لنین کبیر بنیادگذار حزب کمونیست شوروی و حاکمیت شوروی است.

۲ - اتحاد شوروی بزرگترین قربانی را در انقلاب، در جنگ داخلی، در جنگ کبیر میهنی علیه فاشیسم، خونخوار هیتلری، بخاطر سوسیالیسم داد و ایستاد. آنها در جنگ کبیر میهنی بیست میلیون فرد شوروی کشته شده و قریب ۳۰۰ میلیارد دلار خسارت به این کشور وارد آمده است.

۳ - اتحاد شوروی محل نخستین و پر ارزش ترین آزمایشهای تاریخی برای ساختمان جامعه نوین است و تجارب بسیار وسیع و بسیار جالب در رشته ساختمان سوسیالیسم از جهات بچکی مختلف و متنوع صنعتی، کشاورزی، نازرگانی، مالی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و غیره و غیره گرد آورده است. موفقیتهای عظیم شوروی در جنگ و صلح، در علم و صنعت، در فرهنگ و بهداشت، به تجارب شوروی وزن و ارزش انکار ناپذیری میدهد.

۴ - اتحاد شوروی (صرفنظر از برخی کزروهایی مربوط به کیش شخصیت که آن نیز به بنیاد و ماهیت سوسیالیستی جامعه شوروی هرگز سرایت نکرده است) طی حیات نیم قمری خود در جاده درست مارکسیسم-لنینیسم با احترام از انحرافات راست و چپ شیر کرده است و هرگز مانند برخی کشورهای سوسیالیستی بی پروا بچپ و بر راست زده است و امروز نیز با رها کردن خود از یکسلسله از عواقب کیش شخصیت بر پایه رهبری علمی و جمعی، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم خلاق و انترناسیونالیسم پرولتری عمل میکنند.

مجموعه این ملاحظیات ما را به قبول حکمی که در آغاز این مقال مطرح ساخته ایم منطقی قانع مینماید. برای ما ایرانیان علاوه بر عوامل یاد شده، یکسلسله عوامل اضافی نیز وجود دارد؛ مدت پنجاهسال است شوروی برای ما همسایه ای نیک بوده که استقلال و ترقی خود را کاملاً بدان مبدونیم. این یک بحث تاریخی وسیعی است که در کتاب «انقلاب اکبر و ایران» بر اساس اسناد و واقعات روشن شده و صحت آن حتی در نزد سید ضیاء الدین ها و قتی زاده ها مورد انکار نیست و ما در اینجا باین اشاره اکتفا میکنیم.

دوست بهمن علل دشمنان کمونیسم تکیه اساسی خود را در مبارزه علیه این جریان عظیم انقلابی عصر ما بر روی مبارزه علیه شوروی گذاشته اند و گاه از موضع راست گاه از چپ، اتحاد شوروی را زیر باران اتهام میگسارند. این اواخر، بقول رفیق گس هال، «کالای آلتی کمونیسم و آتی

# مبارزه در راه دمکراسی - مهمترین شعار مبرم حزب ما

مبارزان کردستان، در جریان بازداشت گزوه جزئی و غیره و غیره بر همین اساس وارد دفاع اصولی شدیم و خود را از سکنا ریزم سازمانی بسور نگاه داشتیم و تنها بدفاع از مجاهدان حزب خود مانند رفقا حکمت جو

سویتیزم بویژه در بسته بندی چپ، در بازار امپریالیستی خریدار فراوان یافته است. ما باید در مقابل این موج گل آلود که از دشنام سرراست شروع و به سفسطه های ظریف ختم میشود بایستیم و دوستی با شوروی و حزب کمونیست شوروی را که یکی از بنیادهای استوار سیاست حزب ما است از دست ندهیم و الا دچار باخت بزرگی خواهیم شد. صریحاً باید گفت که:

۱ - ما ناسیونال-کمونیسم را بعنوان یک حرف دروغ، یک امر محال، یک «گوسه ریش بهن» رد میکنیم زیرا نمیتوانیم کمونیست بود و هم ناسیونالیست. لازمه انترناسیونالیسم پیوند وسیع بین المللی در مقابل جبهه متحد سرمایه است.

۲ - ما کمونیسم ضد شوروی را بعنوان یک انحراف آینده نگر، بعنوان یک بی اعتنائی به واقعیت، یک فقدان کامل ره آلینم انقلابی، بعنوان یک بی خردی آشکار رد میکنیم.

۳ - در عین حال ما بنابه میهن پرستان پر شور و خادمان وفادار خلقهای میهن خود دوستان مستقل و خلاق و با شخصیت و با ابتکار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد شوروی هستیم یعنی هر گاه نظری داشته باشیم، بدون آنکه آنرا به پرچم ضد شوروی بدل کنیم، آن نظریات را در چارچوب روابط برادرانه بیان مینماییم، یا هر گاه امری برای ما روشن نباشد در باره آن توضیح میخواهیم، ما خط مشی حزب خود، استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی کشور خود را، خود مستقل معین میکنیم و مستقل بدان عمل میکنیم و در عین مراعات کامل قوانین عام ساختمان سوسیالیسم، در عین احترام و مراعات تجارب بسیار پر ارزش ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی که دارای اهمیت جهانی - تاریخی است، میکوشیم راه خود را یا توجه به واقعیت جغرافیای ایران و سبب تاریخی آن طی کنیم. ایست تنها معنای صحیح سوسیالیسم، که هسته عنده در انترناسیونالیسم پرولتری است؛ ایست آن انترناسیونالیسمی که در هماهنگی کامل با پاتریوتیسم و میهن پرستی است.

امید است این نکات جوینده گان بیفرض را که به مبارکسیسم-لنینیسم باور دارند روشن کند. ما در این زمینه بارها توضیح داده ایم و این تک کفران نمیکند؛ قدرت حزب ما در انترناسیونالیسم واقعی و در دوستی استوار او با نخستین کشور سوسیالیستی جهان است و حزب ما هرگز در این زمینه دچار انحراف نخواهد شد.

مبارزه در راه آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم ایران تحقق بخشند. اس.

بازار و بخاروری و صابر و آصف و یاران اکتفا نوردیدیم. ما تصور میکنیم تنه درست مبارزه مؤثر در شرایط کنونی رژیم همین شیوه است. تمام نیرو اپوزیسیون، علیرغم اختلافات بزرگ کوچک، اصولی یا عملی که با هم د

شرف نظر از آنکه حق دارند برای مشی خود با حربه سازمانی جدا گانه خوش کنند، باید در گرد این محور مشترک در گرد محور مبارزه برای دمکراسی آیند. این وظیفه ایست که دعوی آ خواهی و میهن پرستی آنها بر آنها تحمل، با آنکه رژیم کنونی نتوانسته افکار عمومی را برگیرد، ولی هنوز در از وضع انقلابی نمیتوان صحبت کرد. سالهای اخیر غیرواقعی بودن شعار دست

بمبارزه فوری پارتناری را ثابت کرده باید شرایط اعتدال نهضت و وضع انتقال از طریق مبارزات گذرگه امکان داد در ایران کمتر و در خارج بیشتر وجود فراهم ساخت. تسریع پیرویه نهضت از جامعه، وظیفه مبارزان و مجاهدان آن است. اگر ما واقعاً درخواست خود برچین بساط رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک و استقرار یک حکومت ائتلاف ملی و

بسیار صادق هستیم، بایستی نبرد مشترک از آن جایی شروع کنیم که میتوان تملولو کوچک در زمینه آن بدست آورد بخشی مبارزه را بر دم نشان داد. بجز حزب ما که در سالهای اخیر خستگی ناپذیر اتحاد و اتحاد عمل نیرو اپوزیسیون بوده، تکیه بقیه نیروها و سازمان مخالف رژیم بویژه بر روی اختلاف سازمانها انجام گرفته است آنهم نه در پولیک دوستانه بلکه در روح اتهام برآکنی خصیصانه. شره این کار تفرقه نیرو مترقی و تضعیف اوتوریت آنها و تسلط افزون نیروهای ارتجاعی است. ما اگر

در دعاوی بر طنین خود صادقیم باید از راههای تلخ گذشته عبرت اندوزیم و بیاوریم که هر وقت با هم عمل کردیم سر نتیجه ای ولو کوچک بدست آوردیم. سازمانها و نیروهای اپوزیسیون پیش نیکینم در ما مستعجل شوید و استقلال ف و تشکیلاتی خود را از دست بدهید میکوبیم با حفظ استقلال فکری و تشکی خود، با حفظ اختلاف نظرها (که غالباً مهم است و تنها داور زمان و پولیک دوستانه میتواند تکلیف آنها را بتدریج سازد)، بایتم و علا در این با آن متوافق و مشترک نیروهای خود را بهم دهم و اضریت خود را یکجا فرود آوریم بنظر ما وظیفه همه مخالفان صدیق رژیم است که عناصر تفرقه افکن را که متأ رفته استکار را بیشتر در دست داشته اند و یا منفرد سازند و بوجدت عمل نیروها مبارزه در راه آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم ایران تحقق بخشند. اس.

### دو قضاوت نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما

بی مکررد. حامل اصلی این قضاوت آن «و پیروان آنست. شایان ذکر است شاملین این دو قضاوت متضاد در آنچه بوط به وضع کنونی است به قضاوت بی می‌رسند. هر دو حزب توده ایران را نفی میکنند.

این سؤال مطرح شود که آیا بهترین و میرم ترین وظیفه نیروهای ملی و دمکراتیک در شرایط مشخص کنونی بحث در باره تاریخ گذشته است؟ بنظر ما نه. بهترین و میرم ترین وظیفه نیروهای ملی و دمکراتیک در شرایط مشخص کنونی کوشش برای ایجاد برنامه مشترک مبارزه و اتحاد همه سازمانهای ملی و دمکراتیک برای استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک است. لازمه این اتحاد بهیچوجه صرف نظر کردن از ایدئولوژی، مشی سیاسی و سازمان مستقل نیست، بلکه فقط آنکه بر روی نکات مشترک بر ضد دشمن مشترک است. این یعنی بحث نکردن درباره گذشته و ایزدبایی تاریخ گذشته هیم نیست.

بحث در باره تاریخ گذشته حزب توده، و یا هر سازمان سیاسی که در جنبش و دموکراتیک ایران شرکت داشته و بخودی خود نه فقط مفید بلکه لازم است. و لزوم این بحث در آنست که میتوان با ی علل پیروزیها و ناکامیها، موفقیتها و ناکامیها هم جنبه های مثبت و منفی یک بان سیاسی و مقام آنرا در جنبش و تاریخ کرد و هم از تجارب گذشته برای ات آینده درس گرفت. برای اینکه یعنی به چنین نتیجه ای برسد باید فقط ب مارکسیستی تحلیل تاریخ را بکاربرد. باید قضاوت ذهنی و یا مقاصد معین ی را کنار گذاشت.

هر کس میتواند قضاوت و ارزیابی مستقل خود را داشته باشد و حتی به بحث انتقادی ولی دوستانه تا سایر سازمانها هم بپردازد. حزب ما به بررسی انتقادی بسیاری از وقایع گذشته در تاریخ خود پرداخته است و ارزیابی خود را بصورت اشناد رسمی مصوب از کان های مسئولیت دار هم در آورده است (کاری که هیچ سازمان سیاسی دیگری نکرده است) و به کوشش خود برای روشن کردن تاریخ حزب همچنان ادامه میدهد. ولی در این باره نه سر و صدا راه میاندازد، نه آنرا بهترین و میرم ترین وظیفه کنونی خود میداند و نه دیگران را متهم میکند. این بحث مانند خیلی از بحثهای دیگر میتواند فقط یکی از اهم وظایف تلقی شود و در راه آن کوشش مدارم.

در بحث کنونی دو نمایان و دو اسلوب دارد: گروهی (بویژه جوانان که بعلم سن وقایع بین سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ دیده اند و یا فعالیت سیاسی نداشته اند) که مایل اند با این تاریخ آشنا شوند و آن درس بگیرند. آنها با بیطرفی نظریات اوتهای گوناگون را میشوند و میکوشند ناس واقعات به نتایج درست و قضاوت نه ای برسند. گروه دیگر میکوشد از بحث نفی تاریخ گذشته حزب توده ایران حید اقل نفی کنونی حزب توده ایران را بگیرد. اسلوب این گروه بطور عمده و همراه با اتهام، تحریف و ادعا های است. با کمال تأسف باید گفت که ب گروه اخیر در بحثها مسلط است و جهت هم هست که بحثها اساساً به منطقی نمیرسد.

و جدی بعلم آید. ولی متکبران این بحث اینطور وانمود میکنند که گویا عاجل ترین و مهمتر از این بحث وجود ندارد و اگر این مسئله حل نشود انقلاب ایران عمای نخواهد شد. ادعائی که بنظر ما پایه عینی ندارد. بویژه آنکه دیده میشود که بطور عمده بحث در باره تاریخ گذشته نهضت (که علاوه بر حزب توده ایران سازمانها و گروههای سیاسی دیگری هم در آن شرکت داشته اند) نیست، بلکه بحث اساساً در باره تاریخ گذشته حزب توده ایران است، آنهم بقصد نفی و کوبیدن آن. بنا بر این در بررسی علی که موجد این بحث شده است باید قبل از هر چیز مقاصد معین سیاسی را که در پس این بحث پنهان است جستجو کرد. بنظر ما این علل بطور عمده بقرار زیر اند:

این نکته را هم باید متذکر شد که ستارهای دانشجویی در حالیکه حملات آن به حزب توده ایران آزاد است دفاع از حزب توده ایران بعلم خطر آتی که برای کهنه دارد، ممکن نیست. خوبست بدان دهند گمان چنین ستارهایی به این قضیه هم توجه کنند تا بعلمت چنین رهایی واقعا تضمین گردد. بهر حال ما بدون اینکه به پاسخ گویی ره اتهامات و تحریفات و ادعاهای بی پایه زیم نظر مستقل خود را در باره اصل بیان میداریم.

۱) باز آن موقع که ارتجاع ایران حزب توده ایران را «منحله» اعلام کرد بیست سال میگذرد. طی این مدت پلیس بازها شبکه های این «حزب منحله» را کشف کرده و اعضاء و مسئولان آنرا دستگیر نموده و پس از هر کشف و دستگیری اعلام کرده است که از «حزب منحله» دیگر اثری نیست، و باز هم این داستان پس از مدتی تکرار شده است. ارتجاع ایران فهمیده است، نخواهد و نمیتواند بفهمد حزبی که آنرا ضرورت تاریخی بوجود آورده، بحکم همین ضرورت تاریخی همچنان زنده است و

قبل از ورود در بحث مفید است علی که موجد این بحث شده است نیز مورد ی قرار دهیم زیرا با اصل بحث ارتباط مناسفانه باید گفت که این بحث اصولاً نائب کسانی طرح و دامن زده شده است. مقاصد معین سیاسی را دنبال میکنند. غیر از این بود میبایست قبل از هر چیز

نیتوان آنرا حتی با شدید ترین ترور پلیسی از بین برد چه رسد باینکه آنرا با بمب خود «منحله» اعلام کرد.

بنظر میرسد که گروهی از مخالفان قدیم و جدید حزب توده ایران نیز همین سر نوشت دچار شده اند. یعنی آنها هم همین محتوی را منتهی باشکل دیگری بیان میکنند. اینکه از حزب توده ایران فقط «بقایای کمنته مر کزی» باقی مانده اند و اینکه این حزب هیچگونه نفوذی در بین توده ها ندارد، بیان همین مطلب است. بویژه پس از انشعاب اخیر معنی شدت که دیگر حزب توده ایران «از بین رفت». بدیهی است که چنین اتفاقی نمیتوانست رخ دهد و رخ هم نداد. این واقعت را گروهی از مخالفان حزب فهمیدند. بویژه فهمیدند که تا این «رقب» در صحنه سیاست ایران باقیست و فعالیت میکند کار آنها برای قریب توده ها مشکل است. البته آنها باین حقیقت اعتراف نکرده اند و نمیکند ولی تلاش تب آلود آنها در مبارزه با حزبی که «نفوذی ندارد» اعتراف ضمنی به این حقیقت است. نتیجه آنکه آنها از هر فرصتی برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده ایران استفاده میکنند تا بخال خود این «منافع» را تضعیف کنند و از پیش پا بردارند. گنگ و گاو در تاریخ گذشته حزب توده ایران همین منظور انجام میگردد.

۲) پس از انشعاب مخالفان حزب و انشعابگران فکر میکردند که میتوانند از این فرصت برای پیش بردن نظریات نادرست خود حدا اکثر استفاده را بکنند. ولی سرعت حوادث و مبارزه خوسردانه و دیگر حزب ما با سیاست انشعابگران و تفرقه جوئی و نظریات چپ روانه و انحرافی خیلی زودتر از آنچه که انتظار میرفت تا درستی پایه های ایدئولوژیک این نظریات را نشان داد. بزودی اختلاف و تفرقه، برزدند و نابل، روگردانی و گریز در صفوف کسانی که مدعی رهبری انقلاب ایران بودند (و البته هنوز هم هستند) آغاز شد. ولی مدعیان بجای آنکه مشی خود را تصحیح کنند حالات خصمانه خود را بر ضد حزب توده ایران، که بنظر آنها (و البته بدترستی) یکی از عوامل عمده این شکست و ورشکستگی است، تشدید کردند. و از آنها که ادعا های کنونی آنها دیگر خردبار زیادی ندارد دست بردارن گذشته زدند تا مگر بکمک نفی گذشته حال را نفی کنند.

۳) در میدان چپ روی بین «رقب» مبارزه شدیدی در گرفته است. گروهی ادعای انشعاب یون را در مورد علل انشعاب و وضع کنونی حزب به تمام گذشته حزب تعمیم میدهند تا هم گذشته خود را توجیه کنند و هم مخالفان گذشته حزب را برای بهره برداری در حال بکوبند.

۴) علیرغم ادعا ها عده ای میدانند که حزب توده ایران درست بعلم همان خدمات گذشته اش در بین مردم ایران صلاح نفوذ و اعتبار است. بقول یکی از آنها «نام حزب توده ایران سر قفل دارد». همین جهت گروهی میکوشد خود را وارث سن انقلابی ایران وانمود سازد و لذا از گذشته حزب

توده ایران درست دفاع میکنند. ضمناً این گروه با دفاع از گذشته حزب تا انشعاب به اصطلاح با یک تیر دو نشان میزند؛ گذشته حزب را تا زمانی مثبت میداند که خود در رهبری بوده است. یعنی هم افتخارات گذشته حزب را بخود نسبت میدهند و هم نقائص و اشناهات را فقط بسعه رهبری کنونی حزب توده ایران میکنند.

بدینسان مناسفانه صحبت بر سر بررسی علمی تاریخ گذشته نهضت و از جمله حزب توده ایران نیست، بلکه تحت این عنوان و به این بهانه مقاصد سیاسی معینی دنبال میشود. و چون چنین است قضاوت هر دو گروه نادرست از آب در میآید.

چگونه گذشته حزب نفی میشود؟

عده ترین دلایل کسانی که گذشته حزب را مطلقاً نفی میکنند بطور خلاصه بقرار زیرین است:

۱) حزب توده ایران اصولاً برای پیش بردن مقاصد سیاسی اتحاد شوروی تشکیل شده و همین جهت نه مستقل است نه ملی.

۲) حزب توده ایران در آغاز بصورت جبهه ضد فاشیستی و ضد ارتجاعی تشکیل شده و نه شکل حزب مارکسیستی. لنینیستی طبقه کارگر، بعدها هم که این مطلب را رسماً اعلام کرده عملاً هیچگاه حزب مارکسیستی-لنینیستی یعنی واقعی کلمه نبوده، بلکه «رفرمیسم و اپورتونسم» در آن تسلط داشته است.

۳) حزب توده ایران یا بعلم «عدم استقلال» و یا بدلیل «اپورتونسم» و یا هر دو دلای نقائص و اشنباهات جدی بوده، بطوریکه بیشتر نقش مخرب را در نهضت ملی ایران ایفا کرده است.

اینکه انترناسیونالیسم حزب ما و پیوند دوستانه آن با حزب کمونیست اتحاد شوروی به عدم استقلال و ملی نبودن تعبیر میشود و مورد حمله قرار میگردد. مطلب تازه ای نیست. تنها مربوط به حزب توده ایران هم نیست. این یکی از اشکال آنتی کمونیسم است که قبل از همه از زرادخانه امپریالیسم بیرون آمده و هدفش آنست که مردم قبولانند که بیدایش احزاب کمونیست و کارگری ناشی از ضرورت اجتماعی نیست، بلکه ساخته دست یک دولت خارجی است؛ در اینجا از احساسات میهن پرستانه و ناسیونالیستی مردم نیز سوء استفاده میشود. کسانی که این اتهام امپریالیسم و ارتجاع ایران را نسبت به حزب توده ایران تکرار میکنند باید بچند نکته نیز اعتراف کنند: نخست نفی جنبش کارگری و زد مارکسیسم است. چون اکثر کسی به این هر دو معتقد باشد ناگزیر باید بداند که هر اجتماع وقتی بسط معینی از تکامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رسید جنبش کارگری در آن پدید میآید و حزب طبقه کارگر نیز تشکیل میگردد؛ یعنی بزرگترین قهرتها هم نمیتواند آنها را از خارج بطور مصنوعی جنبش کارگری و حزب طبقه کارگر را بوجود آورد. بیدایش این هر دو یک ضرورت تاریخی است.

دنباله در صفحه ۴

### دو قضاوت نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما

دوم اینکه نه فقط حزب توده ایران، بلکه تمام تاریخ جنبش کارگری را در ایران نفی کند. چون فرض کنیم که حزب توده ایران ساخته دولت شوروی است، آیا حزب کمونیست ایران هم ساخته دولت شوروی بود؟ فرض کنیم حزب کمونیست ایران هم ساخته چنین دستی باشد، آیا سوسیال دموکراسی انقلابی ایران هم ساخته دولت شوروی است؟ دولتی که در آن زمان اصلاً وجود نداشت؟ و اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که پایه گذاران سوسیال دموکراسی انقلابی ایران حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند و عده ای از پایه گذاران و اعضای حزب کمونیست ایران حزب توده ایران را بنیاد گذارند. یعنی حزب توده ایران ادامه دهنده و وارث بحق سوسیال دموکراسی انقلابی ایران و حزب کمونیست ایران است، آنها نه فقط وارث ایدئولوژیک، بلکه حتی از نظر سازمان دهندگان آن.

سوم اینکه اصولاً اینترناسیونالیسم را نفهمند یا آنرا قبول نداشته باشد، زیرا چگونه میتوان یک حزب مارکسیست لنینیست بود و پیوند دوستی با همه احزاب کمونیست و کارگری، یا همه کشورهای سوسیالیستی و پیوسته با حزب کمونیست اتحاد شوروی، بنیاد گذار نخستین و بزرگترین دولت سوسیالیستی جهان نداشت و در این راه نگوید؟

چهارم اینکه باید دولت شوروی را سوسیالیستی نداند و به همین جهت دوستی و همسنگی با آنرا ضد ملی تشخیص دهد. این دیگر از آن اتهاماتی است که حتی احتیاج به رد کردن ندارد. حزب توده ایران ادامه دهنده و وارث بحق بهترین سنتهای سوسیال دموکراسی انقلابی ایران و حزب کمونیست ایران است و به همین جهت علیرغم شدید ترین فشارها (که هیچ سازمان سیاسی دیگری با آن مواجه نبوده و نیست) همچنان زنده است و مبارزه خود ادامه میدهد. استقلال و خصیلت ملی حزب ما پیوسته در این واقعیت است که برنامه و مشی آن منعکس کننده حیاتی ترین منافع و آرزوهای ملت ایران است و برای تحقق این برنامه و مشی با یگیری و فداکاری مبارزه میکند. این منافع و آرزوها نه فقط با اینترناسیونالیسم حزب ما مایند ندارد و نمیتواند داشته باشد بلکه با آن دارای پیوند ناگسستی است.

کسانی که حزب توده ایران را در گذشته حزب طبقه کارگر، حزب مارکسیستی لنینیستی نمیدانند شکل را با محتوی اشتباه میکنند، شکل را عمده میکنند و به محتوی کم بها میدهند. شرایط مشخص مبارزه علنی را از نظر دور میدارند و به کلی گوئی میزدانند. تا کتیک معین مبارزه در زمان معین را نفی میکنند و فقط استراتژی را میبینند.

حزب توده ایران در زمانی تشکیل شد و اجازه فعالیت علنی یافت که قانون سنه ۱۳۱۰ هر گونه «فعالیت کمونیستی» را ممنوع میکرد. آیا نباید رسماً تشکیل حزب کمونیست را اعلام کرد، به این قیمت که از همان آغاز تشکیل فعالیت مخفی محکوم شد و به یک گروه کوچک جدا از توده ها تبدیل گردید (همانطور که حزب کمونیست ایران البته علیرغم میل خود محکوم گردید) یا در چارچوب قوانین موجود با اجرای عملی سیاست مارکسیستی - لنینیستی پرداخت و یک حزب توده ای تبدیل شد و به همین وسیله هر گونه مانعی را در برابر فعالیت رسمی کمونیستی برداشت؟ حزب توده ایران در حالیکه اساس تحلیل تئوریک و سیاسی خود را مارکسیسم - لنینیسم قرار داد و از نظر تشکیلاتی هم اصول لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر را نگار برد، بدرستی سیاست اخیر را اتخاذ کرد. حزب فقط پس از آنکه از امکان فعالیت علنی محروم گردید، یعنی زمانیکه دیگر رعایت شرایط کار علنی مطرح نبود، سیاست عملی خود را رسماً نیز اعلام کرد. اتفاقاً اشتباه حزب توده ایران در این نبود که چرا از همان آغاز رسماً خود را حزب کمونیست اعلام نکرد، بلکه در آن بود که سکتاریسم و جب روی هائی راه داده شد که به نقض اصول کار علنی منجر گردید و از این راه زبانهای فراوانی به حزب رسید.

تا کتیک مبارزه نیز در شرایط مختلف فرق میکرد، در اوایل جنگ البته و بدرستی مبارزه بر ضد فاشیسم و طبقه عمده بود، همچنانکه بعداً مبارزه بر ضد سید ضیاءالدین، مظهر سیاست امپریالیسم انگلستان، و سپس مبارزه بر ضد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس شعار عمده تا کتیک قرار گرفت و پس از آن مبارزه علیه امپریالیسم امریکا در دستور قرار گرفت که حزب توده ایران پرچمدار و پیش قراول آن بود. حال هم چنین است، در آینده هم چنین خواهد بود. این یعنی فراموش کردن هدف استراتژیک نیست، بلکه کمکی است به آن. این بمعنی تبدیل حزب به جبهه و یا غرق شدن حزب در جبهه هم نیست. این فقط به آن معنی است که در هر لحظه معین آن چنان شعاری را باید یافت که وسیعترین توده های مردم را بمبارزه جلب کند.

و اما اگر مقصود از رفرمسم و ایور یونیم آنست که حزب توده ایران مبارزه انقلابی و انقلاب را نفی نمیکرد، این فقط یک اتهام است. حزب توده ایران همیشه معتقد به تحول بنیادی جامعه ایران از راه انقلاب اجتماعی بوده و وسیله کار او هم مبارزه انقلابی بوده است. اشکال این مبارزه انقلابی بر حسب اوضاع و احوال و شرایط مشخص البته فرق میکند. ولی اگر مقصود آنست که حزب توده ایران به اشکال چپ روانه و ماجراجویانه رائج دست نزده، این البته درست است، گو اینکه همانطور که گفته

شد اینجا و آنجا دچار این اشتباه شده و زبان آنرا هم دیده است. و از همه اینها نتیجه گرفتند که حزب توده ایران بطور عمده نقش مخرب در نهضت ملی ایران داشته است صرفاً میتواند ناشی از غرض باشد، زیرا هر کس که کمترین اطلاعی از تاریخ معاصر ایران داشته باشد، هر کس از حد عقل حسن نیت و واقع بینی برخوردار باشد، ختماً باین نتیجه نخواهد رسید. برعکس باین نتیجه خواهد رسید که حزب توده ایران علیرغم نقائص و اشتباهات خود بطور قاطع نقش مثبت و مترقی در تاریخ معاصر ایران و سیر تکاملی آن داشته و دارد.

#### آیا باید گذشته حزب را بطور مطلق توجیه کرد؟

کسانی که گذشته حزب را بطور مطلق توجیه میکنند و بر این عقیده اند که اولاً حزب توده ایران اشتباه جدی و بزرگی مرتکب نشده. ثانیاً فرض هم که چهار اشتباهاتی گردیده علت آنرا عامل عینی تشکیل میداده، یعنی جبری بوده. ثالثاً لزومی ندارد که با توجیه خدمات حزب توده ایران - که مسلماً عمده است - در برابر دشمن و مخالفان اینقدر از اشتباهات حزب سخن بگوئیم.

ما چنین عقیده ای نداریم و در روی نقائص و اشتباهات سرپوش نمیگذاریم و معتقدیم انکار این واقعیت نشانه علاقه بحزب نیست، بلکه جنبه ذهنی دارد، زیرا هر علاقمند واقعی به حزب باید واقعیت را ببیند، آنرا بررسی کند و از نتایج آن درس بگیرد. اگر کسی این نقائص و اشتباهات را نبیند و یا در ضد توجیه آن برآید به آن معنی است که خطر تجدید این اشتباهات وجود دارد و با توجه به عواقب نامطلوب و انکار ناپذیر این اشتباهات این خطر حیاتی میشود. متأسفانه هم اکنون واقعیتی در برابر ماست که نشان میدهد کسانی اشتباهات گذشته حزب ما را عیناً و یا به اشکال جدید تکرار میکنند و متوجه نیستند که چه سرانجامی در انتظار آنهاست. و اما درست است که در بروز نقائص و اشتباه عوامل عینی نقش و گاهی نقش مهم و قاطع داشته اند، ولی تمام علت را به عامل عینی نسبت دادن و نقش عامل ذهنی را ندیده گرفتن و یا کوچک گرفتن برتره جویی است و بازم خطر تجدید اشتباه را در بر ندارد. بنا بر این یاد آوری معقول نقائص و اشتباهات هنگام بررسی تاریخ گذشته و ارزیابی سیاست و روشهای مشخص بمنظور جلوگیری از تجدید اشتباه مفید و ضرور است.

کسانی هم که منعی اند که گویا فقط تا دوران اشغال و حزب بطور کلی در راه صحیح سیر نمیکرده آشکارا واقعیت را تحریف میکنند. اتفاقاً اشغالگران از کمته مرکزی خود سهم مهم و گاه میزگرانه ای در بروز نقائص و اشتباهات گذشته حزب توده ایران داشته اند و اتفاقاً حزب توده ایران در دوران اخیر در مبارزه با مشی نادرست آنها است که توانسته مشی اساساً درستی تنظیم کند و از اشتباهات جدی سیاسی بپرهیزد. روش ما نسبت تاریخ گذشته حزب

چنانچه ملاحظه میشود دو قضاوت

نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما و دارد. حزب ما هر دوی این قضاوتها را میکند و معتقد است که:

(۱) حزب توده ایران در اثر ضرر تاریخی و اجتماعی بوجود آمده و رشد و مصدر خدمات برجسته و انکار ناپذیر مردم مینهن ما شده است. نشر و مارکسیسم - لنینیسم و بدین وسیله تحول عمیق فکری و روحی در جامعه ایران مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم و از راه آزادی و استقلال ایران، فداکاری ها و قربانیهای فراوان، (که آن اکنون بصورت عقب نشینی های آشکار میشود) و ایجاد مکتب وسیع تر و تشکل توده ها از جمله خدمات عمده توده ایران است. جنبشی را که حزب ایران بوجود آورد و رهبری کرد نه از وسعت و نه از نظر عمق در طول تاریخ ایران سابقه ندارد. به همین جهت نقش حزب توده ایران در تاریخ معاصر ایران نقشی است و مترقی. هم اکنون نیز حزب ایران بزرگترین پرچمدار استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم در مینهن ماست. بر روی نقش برجسته تاریخی است که باید تکیه و تقویت این نقش کمک به امپریالیسم و ارتجاع است.

(۲) حزب توده ایران در گذشته دارای نقائص و اشتباهات جدی نیز بوده، که نتیجه یک رشته علل عینی و ذهنی است. در میان علل عینی بطور عمده میتوان عقب ماندگی جامعه ایران، جوان بودن حزب، کوتاه بودن دوران فعالیت علنی حزب و اتحاد امپریالیسم و ارتجاع، شدید و دائم پلیسی و بفرنجی و سرعت حوا را نام برد. ولی با اینکه این عوامل نقش و گاه قاطع داشته اند نادرست و اشتباه است اگر مطلق شوند. مجامع صلاحی حزب - بویژه بلنوم چهارم (وسیع) - مرکزی حزب توده ایران - در اسناد ره خود ضمن بررسی و یادآوری عوامل عینی بکرشته عوامل ذهنی نیز را متذکر شده

که از جمله مستوان ضعف رهبر، اختلافات درونی آن را بر شمر در این اسناد مسئولیت رهبری نیز ذ و تا کتیک گردیده و برای رفع علل ذ راهنامههای لازم نیز بعمل آمده است. خطاست اگر بروز همه نقائص و اشتباه را نتیجه عوامل ذهنی بدانیم و مسئول آن فقط رهبری حزب بشناسیم. این بمعنی عوامل عینی است و برای یک ارزیابی جدی خطرناک و زیان بخش است.

(۳) قبول خطاها و انتقاد از خود در نشانه جدی و صدیق بودن اوست. تمام طول تاریخ حزب در هر فرصتی کوشش شده است که نقائص و اشتباهات دید شناخته شود. علل آن بررسی گردد و رفع آن اقدام لازم بعمل آید. هنوز سازمان سیاسی بویژه آنها که گذشته حزب توده ایران را نفی میکنند این چنین آشکارا جدی و صادقانه خطاهای خود را نپذیرفته

دنیاله از صفحه ۶



### بما میمونینند:

در اثر فعالیت های سندیکا های کارگری، شورای همکاری سندیکا های کارگری در اولین کنگره خود تصویب نمود که صندوق بیمه بیکاری برای کمک بکارگران بیکار از طرف دولت بوجود آید، این کنگره همچنین در قطعنامه خود متذکر شده است که وزارت کار و کارفرمایان نباید در ایجاد سندیکاهای کارگری دخالت داشته باشند. همچنین موادی از قوانین کار و بیمه های اجتماعی که به وزارت کار اجازه میدهد بمل خود بنام کارگران نمایندگانی مراجع مختلف قانونی بفرستد حذف گردد.

کارگران بجهت سازی برای انتخاب هیئت مدیره سندیکای خود مبارزه میکنند. با تمام کار شکنهای کارفرمایان و دخالتهای حزب ایران نوین کارگران در خانه کارگر اجتماع میکنند و نمایندگان خود را انتخاب می نمایند. کارگران نسبت به دخالت های بیجا و ناروا در امور سندیکائی به وزارت کار شکایت کرده اند و ولی بشکایت آنها ترتیبی نبرده شده است.

صیادان شرکت شیلات شمال در هر سال دوبار و هر مرتبه سه ماه با استخدام در می آیند. این کارگران فصلی، قطع در مدت سه ماه میتوانند از بیمه های اجتماعی استفاده کنند. در این مدت هم از دوا و دکتر خبری نیست و حتی برای تهیه چند آسپرین بایستی ۱۰۰ کیلومتر راه پیمائی کنند تا به درمانگاه برسند.

عده ای از صیادان که مدت ۲۵ تا ۳۰ سال کارشان فقط صید ماهی بوده و جوانی و سلامتی خود را در این راه از دست داده و با وجود هزاران خطر جز نان بخور و نمیری دریافت نکرده اند. اکنون که شرکت شیلات می خواهد جوانان را بجای آنها استخدام کند باخطر بیکاری و دردمندی مواجه هستند و چون بیمه فصلی بوده اند، حقوق بازنشکر هم شامل آنها نمیشود.

کارگران شرکت نفت جنوب خواهند که برای تشکیل سندیکای خود و انتخاب هیئت رئیسه آنها را آزاد بگذارند. امور ساختمانی و باغبانی و نظافتات شرکت را بمقاطعہ نهند و در نتیجه کارگران شرکت را بیکار ننمایند، آنها ضمن درخواستهای صنفی خود از جمله می خواهند تا کارآموزان را که ۵ سال تحت آموزش بوده اند، بعنوان کارگر درجه یک استخدام کنند و از کلیه مزایا برخوردار شوند و همین مقررات ناقص قانون کار و بیمه های اجتماعی بدون هیچ عنتر و بهانه ای اجرا گردد.

کارگران ساختمانی تهران بعد از مبارزات طولانی موفق شدند، سندیکای خود را که سه ماهست از طرف وزارت کار منحل شده است تشکیل دهند. کارگران اساتلمه سندیکا را تنظیم و هیئت مدیره را انتخاب نموده اند. مبارزه برای تثبیت رساندن مجدد سندیکا و تنظیم درخواستها ادامه دارد.

کارگران شرکت ساختمانی هوش تیف برای اجرای قانون کار و بیمه های اجتماعی مبارزه میکنند. در این شرکت کارگران روزانه ۱۰ ساعت کار میکنند، جمعه و تعطیل ندارند و ۳۵ درصد اضافه کاری را به آنها تفویض دارند. جزایر، احتیاج و مبارزه کارگران هیئت رئیسه تقاضای کارگران را تنظیم نموده و اجرای آنرا خواسته است. کارفرما موافقت کرده است که چند ماده از این درخواستها را اجرا نماید. اتحاد، پیگیری و هوشیاری کارگران عامل مهم این پیروزی نسبی است.

پلیس تهران به کلانتری ها بخشنامه هایی داده است مبنی بر اینکه پاسبان ها باید در سر پشتهای خود تمیز باشند و لباس

مرتب بپوشند، بعضی از کلانتریها این بخشنامه را بهانه کرده و از لباس شوییها خواسته اند که بجای نرخ رسمی، لباسهای باساینها را با دستمزد بسیار نازلی بشویند، تمیز کنند و اطو نمایند. لباس شوییها دستجمعی مقاومت میکنند و از اتحادیه صنف خود میخواهند که مانع این بیعدالتی شوند و با آنها کمک نمایند. کلانتریها میخواهند نامه ای بامضای تک تک آنها برسانند و اعلام نمایند که آنها داوطلبانه برای کمک «بدستگاه پلیس» حاضرند با نرخ کم لباسها را تمیز کنند.

دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا پیرای اعتراض به کادر هیئت رئیسه و تغییر آنها دست بااعتصاب میزنند و موفق بتغییر کادر هیئت رئیسه میشوند.

دانشجویان سال دوم حقوق با اقدامات دستجمعی و زرقن بسر کلاس موفق میشوند، یکی از دانشجویان همکلاس خود را که بی دلیل از کلاس بیرون کرده و درخواست از دانشکده اخراج نمایند باز گردانند.

یکی از دانشجویان دانشکده حقوق که در موقع زلزله در کفکاخ بسر میبرد بقتل رسید. چهارم این دانشجویان دانشکده حقوق در مسجد روزی در دانشکده برپا داشتند. ناظرین ضمن سخنرانی های خود از بدی وضع زلزله زدگان و عدم توجه دولت صحبت کردند و از متفرقین این حادثه اسفناک یاد نمودند.

سازمان تربیب بدنی طی نامه ای کوتاه باذعای «بمقتضیات و مصالح عمومی»؟ باشگاه توفان را تعطیل کرد. این تنها باشگاه ورزشکاران نیست که بدستور مقامات دولتی برچیده میشود. رژیم ایران اجازه نمیدهد که جوانان و ورزشکاران حتی برای ورزش و یا سرگرمی های هنری و ادبی دور هم جمع شوند.

اهالی ناخچی آباد نازی آباد در جنوب تهران، نسبت باجغافاتی که با آنها شده و برای رسیدگی باجاره زمین و وضع خیابانها شکایت کرده اند، مقامات دولتی هنوز با اعتراض اهالی جواب نداده اند. حزب ایران نوین برای عوامفریبی گفته است بقاضای آنها رسیدگی خواهد کرد و برای بررسی نمایندگانی بعمل می آیند ولی نمایندگان آنها بجای توجه بدخواستهای مردم در باره نهم آبان و وضع حزب نطق میکنند و بی کار خود میروند، بی آنکه هیچ مشکلی را حل کنند.

حال رفقای زندانی ما وخیم است، رفیق حکمت جو به درد مهره های پشت دچار شده و سازمان امنیت اجازه نمیدهد تا او را برای معالجه از برازجان بتهران منتقل نمایند، رفیق خاوری ببرد چشم مبتلا شده و احتیاج به جراحی دارد، رفیق معتمدی نیز که سالها در بند عباس زندانی بود در اثر بدی آب و هوا و دیگر تضییقات و شکنجه های گذشته دچار امراض عصبی شده و ستون فقرات او صدمه دیده است، پزشکان خطر بر کفر متذکر شده و توصیه کرده اند که فوراً برای معالجه بتهران منتقل گردد، ولی مسئولین او را بشراز انتقال داده اند و در آنجا بعلت عدم وسایله نجات او مقبور نیست.

### دنیاله از صفحه ۱

صدمین سالگرد تولد ستار خان بزرگ بوسیله مقالات، نامه ها و سخنرانیهای خود از خواستهای عادلانه خلیقهای ایران پشتیبانی می کرد، لندن طی مقالات خود تناسب قوای طبقاتی در ایران و موضوع طبقات مختلف در قبال انقلاب مشروطیت را مورد تحلیل قرار داده، سیاست دولت های امپریالیستی بخوبی سیاست مزورانه امپریالیسم انگلیس و سیاست زورگویانه زار را اشته کرده طبقه کارگر روسیه و اروپا را بکنک مشروطه خواهان ایران دعوت میکرد، لندن از ستار خان، گرد آزادی ایران بمثله «سرکرده ارتش انقلابی ایران» یاد کرده است و در مطبوعات مترقی آن دوران در اروپا ستار خان را «گاریالدی ایران» نام داده اند.

سخنران توضیح داد که بنیاسبت ضعف کمی کارگران صنعتی او عدم حزب متشکل نیرومند کارگری و بعلت مداخله مستقیم امپریالیستها مرتجعین ایران توانستند با ماسک مشروطه خواهی وارد مجلس و دولت شده از تحقق یافتن هدفهای اساسی انقلاب مشروطه جلوگیری نمایند و گرد آزادی ایران و قهرمان جنبش مشروطیت ستار خان را نیز بک گولوه ای مجروح سازند که در اثر آن، پس از مدتی ترک گذشت، برای نیل بهدفهای انقلاب میتوان قیام خیابانی، قیام کلبل محمد تقی خان پسیان، جنبش جنکلی و همچنین نهضت ۲۱ آذر مردم آذربایجان را ادامه انقلاب مشروطه ایران بحساب آورد.

تأمین استقلال واقعی ایران، براندختن هرگونه نفوذ استعمار، انجام اصلاحات عمیق اجتماعی، استقرار آزادیهای دموکراتیک که هدفهای اساسی انقلاب مشروطه را تشکیل میداد اکنون نیز بعنوان وظایف مردم در برابر خلیقهای ایران قرار دارد.

### دنیاله از صفحه ۴

دوقضاوت نادرست انتقاد از خود نبرداخته است. اگر هنوز تقابلی وجود دارد، نشانه غرنجی فعالیتهای اجتماعی است، بویژه نشانه غرنجی و دشواری شرایطی است که حزب توده ایران در آن فعالیت میکند. گذشته از این کدام سازمان سیاسی بی نقص است؟ اگر کسی چنین ادعائی کند فقط خود فریبی میکند. اتفاقاً تقاض سازمانهای دیگر براب بیشتر و عمل آن براب یعنی تر از آن چیزی است که در حزب ما یافتست. اگر ما تقاض و اشتباهات گذشته دیگران را مطرح نمیکنیم و مورد انتقاد قرار نمیبیم، به یاین دلیل است که قادر به این کار نیستیم، بلکه آنرا در شرایطی که باید به نقاط مشترک تکیه کرد، لازم نمایانیم. امکان اشتباه در آینده هم وجود دارد زیرا بقول لنین آنکس که کار نمیکند اشتباه نمیکند. بنابر این صحبت بر سر اشتباه نکردن نیست و نمیتواند باشد. مسئله اینست که باید کمتر اشتباه کرد و اشتباه جبران ناپذیر نکرد. و اما اگر کسانی هستند که فکر میکنند از اعتراف ما به اشتباه میتوانند موجودیت و تاریخ گذشته حزب توده ایران را نفی کنند و یا

جنبش دفاع از زندانیان به دامنه اعتراض به توقیف های دستا آذربایجان و کردستان و اعدام گروهی از می در آذربایجان و دستگیری گروهی بحدی از و انتقاد از و تقاضای اعدام بزای آن نفر از آن گسترش بی پایان حزب ما با ارسال پیام به همه سازمانها، دستمزدیک جهان خواستار اعتراض به ترور ایران و دفاع از مین پرستان ایرانی شده است. سازمانهای دانشجویی ایرانی در خارج با تشکیل جلسات مصاحبه مطبوعاتی، تظاهرات بخش اعلامیه و ارسال تلگرافات اعتراض آمیز ایران نقش مهم و مؤثری در اشته ماهیت ض نیک رژیم ایران ایفا میکنند. به نتیجه این فعالیتها بسیاری از روزنامه سازمانهای دستمزدیک در کشورهای خارج پلیسی در ایران اعتراض کرده اند. از جمله آقایی «آندره توماس» نماینده بین المللی حقوق دانان دستمزدیک به ایران و از بازگشت گزارشی در این باره داده است امپدورست متب آنرا در شماره آینده خواهد گذشت گرامی برسانیم.

### دو ضایعه فرهنگی

با نهایت تأسف از درگذشت استاد اوسیا شناس پوز داود و مینیاتورست سرشنا اصلاح یافتیم. نخستین از جهت تلاش برای آذ ایرانیان با آرنیه گرانهای اوستا و بیولوژی شناسی و ژنتیکی و دوین از جهت حفظ سنت پرورش مینیاتور و خلق آثار جالبی از این نوع یک بجای خود در حیات فرهنگی ایران جایگذاشتن شایان ذکر است که استاد پوز داود در مسائل و اجتماعی دارای نظریاتی بود که حزب ما با نیست و یاد کرد ما از وی برای بزرگداشت فرهنگی اوست.

### دنیاله از صفحه ۱

بایفنده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر سرگوب آنرا مطرح نموده و درست پس از جنبش خلق آذربایجان و بزواوات آن نهضت کردهای را بخون کشیدند. مردم ایران خاطره قیامت و خونریزی در آذربایجان و کردستان فراموش نخواهند خاطره شهادت نهضت های آذربایجان و راهپنوازه خواهند داشت. جنبش دموکراتیک خلیقهای آذربایجان و کرد از درخشندترین وقایع نهضت انقلابی معاصر است و بهمین سبب است که همه ساله شاه و حاکمه ایران سرگوب و حشیانه آنرا جشن میزنند و پیروزی آنرا بمنزله سبب تحکیم قدرت و تسلط خودتقی میکنند. ولی علی رغم همه خونریزیها و هار با وجود تبلیغات مفرضانه دستگاه حاکمه یکساله خلق چنان آثار مثبتی از خود بجای است که خاطره آن همچنان در ضمیر مردم ایران بویژه در میان خلیقهای آذربایجان و کردستان آرزوهای آن روشنی بخش راه آینده است. بایفنده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر پیروز باد مبارزه خلیقهای آذربایجان و کرد در اتحاد با مبارزه آزادیبخش تمام مردم ایران کیوان

اشتباهات تاریخی خود را توجیه کنند، در اشتباه اند. قبول خطا، بررسی علل، گوشش در راه رفع آن، انطور که میگردد، فقط موجب سلامت و قدرت میشود. تاریخ هم قضاوت خود را درباره توده ایران از هم اکنون کرده است و در آنرا دقیق تر و مؤکد تر خواهد کرد، اینست که حزب توده ایران بزرگترین برج استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم در ایران بوده و همچنان نیز هست. م. ا. ا.